

## مروری بر زندگی آیت‌الله صبوری

آیت‌الله شیخ جعفر صبوری در سال ۱۲۹۰ خورشیدی در شهر قم متولد شد. در همین شهر، قرآن، نصاب الصبیان و گلستان سعدی را در مکتب خانه فراگرفت و پس از آن به حوزه علمیه رفت و به تحصیل علوم دینی پرداخت، مقدمات را نزد شیخ قاسم نحوی و حاج میرزا علی ادیب تهرانی و دیگر اساتید ادبیات آموخت. پس از به پایان رساندن مقدمات برای فراگیری سطح، نزد حاج شیخ حسن فاضل، حاج میرزا محمود روحانی، آقا میرزا محمد همدانی، حاج سیدحسن کوچه حرمی و حاج میرزا ابوالفضل زاهدی حاضر شد.

سطوح عالیہ را از آیات: حاج شیخ عبدالکریم حائری، موسس حوزه علمیه قم، صدرالدین صدر و حاج سیدمحمدتقی خوانساری بهره برد و حضور آیت‌الله بروجردی را نیز درک کرد. شبها در مدرسه دارالشفاء قم در درس شمسیه امام خمینی شرکت می‌کرد و گاهی اوقات در درس منطق منظومه و درس اخلاق ایشان نیز حاضر می‌شد. به جز حوزه قم، از حوزه تهران و مدتی هم از حوزه بروجرد استفاده کرد، در تهران اگر چه چند ماهی بیشتر نماند اما در همان مدت کوتاه با اقامت در مدرسه مروی مقداری از کتاب مکاسب را در محضر آقا میرزا احمد آشتیانی فرا گرفت، در بروجرد نیز مدتی از محضر آیت‌الله بروجردی استفاده کرد. آیت‌الله صبوری در مورد اقامت در بروجرد می‌گوید: «به بروجرد برای ماندن نرفته بودم، بلکه حامل نامه‌ای بودم از آیت‌الله صدر برای آیت‌الله بروجردی، که در آن زمان» در بروجرد ساکن بود. آن وقت که من به

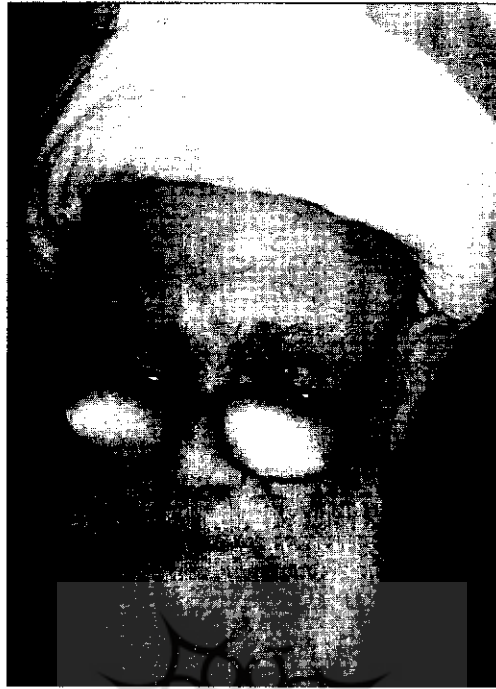
بروچرد رفتیم، ایشان در مدرسه نوربخش آن شهر، مکاسب محرمه تدریس می‌کرد، روزی که من در جلسه درس ایشان شرکت کردم، سخن درباره آیه شریفه ذیل بود: «یا ایها الذی آمنوا اذا تدانیتم بدین الی اجل مسمی فاکتبوه». مجذوب شدم، از این روی مدتی در همان مدرسه ماندم و در درس ایشان حاضر شدم. درس بسیار خوب و قابل استفاده‌ای بود. محتوی نامه ذکر شده، درخواست حمایت از مبارزات و حرکتهای حاج آقا حسین قمی، علیه پهلوی بود.»

آیت‌الله صبورى روزگار تحصیل را به سختی گذرانند، پدرش کشاورز بود و وضع زندگی رو به راهی نداشت. از این روی ناگزیر بود در کنار تحصیل به کار نیز بپردازد، هم برای اداره زندگی و هم برای تهیه کاغذ. تهیه کاغذ برای آن که، ایشان علاقه وافری به آموزش خط داشت و از این رو به کاغذ زیادی برای تمرین خط نیاز داشت. اگر چه بیشتر طلبه‌ها در روزگار ایشان به سختی می‌گذرانند و در تنگنا بودند، اما به گفته خودش، ایشان شرایط سخت‌تری داشته است به گونه‌ای که به دلیل تنگنای مالی نمی‌توانست کتاب درسی بخرد و می‌گشت تا کتاب‌های فرسوده و ناقص را با بهایی ارزان‌تر تهیه کند و سپس ورقهایی را که از بین رفته بود، می‌نوشت. کتاب‌های کفایه الاصول و مجمع البحرین از جمله کتاب‌هایی است که ایشان ناقص خرید و آن گاه با خط خود کاستیهای آنها را اصلاح کرد که اکنون در کتابخانه مدرسه سلطانیه کاشان موجود است.

زمانی که ایشان به کاشان آمد از همان ابتدا در مجسد گذر بابا ولی، حوزه درسی را تشکیل داد و مشتاقان و علاقه‌مندان زیادی جمع شدند و با رونق بود. آقای امامی کاشانی، راستی کاشانی و... جزء شاگردان بودند، تا این که روزی، طلبه‌ای پیشنهاد می‌کند؛ محل درس و بحث به مدرسه سلطانیه (فتح علیشاه) که مدرسه‌ای بزرگ و به نسبت رو به راه‌تر بود انتقال یابد. ایشان در ابتدا نمی‌پذیرد تا اینکه پس از اصرار طلاب، ایشان تصمیم به استخاره می‌گیرند و در استخاره آیه «اللّه نورالسموات و الارض مثل نوره کمشکوه» می‌آید، در نتیجه ایشان می‌پذیرند و به سوی مدرسه سلطانیه روان می‌شوند.

آیت‌الله صبورى مشاهدات خود در روز اول و ورود به مدرسه سلطانی را، این چنین بیان می‌کند: «وارد مدرسه که شدیم، دیدیم همه چیز به هم ریخته، اتاقها ویرانند و پر از خاک و آشغال، برخی از آنها به انبار کالاهای کاسبها بدل شده‌اند و پاره‌ای هم در اختیار سیاتها قرار دارند، فرشهای مدرسه را در انبار گذاشته و در آن را بسته‌اند. هیچ چیز بسامان نبود. مدرسه از حال مدرسه خارج شده بود. طلبه‌ها قفلها را روفتند و با زحمت و مشقت مدرسه را برای درس و بحث مهیا ساختند و درس ما به آنجا انتقال یافت و کم کم مدرسه رونق گرفت و اکنون یکی از مدرسه‌های فعال و خوب کاشان است.»

آیت‌الله صبورى از سال‌های اول تحصیل، تدریس هم داشت و تا قم بود از مقدمات تا لمعه



● آیت‌الله شیخ جعفر صبوری

را تدریس می‌کرد. بزرگانی مانند: موسی صدر، استاد مطهری، اخوان مرعشی، آقایان روحانی، آقامیرزا علی محدث‌زاده پسر حاج شیخ عباس قمی از جمله افرادی بودند که در درسهای ایشان شرکت می‌جستند.

از زمانی که به کاشان آمد نیز، از مقدمات تا سطوح عالی و خارج فقه و اصول تدریس داشت و بزرگانی چون آقایان: علم الهدی، صراف‌زاده، امامی کاشانی، صحافی، موحدی موسوی، رضوی و... از شاگردان وی بودند آیت‌الله صبوری از همان آغاز ورود به کاشان، سعی نمود خود را محدود به تدریس و حشر و نشر با طلاب و اهل علم و اقامه جماعت نکند، بلکه دامنه فعالیت‌ها و تلاش‌های دینی و فرهنگی خود را گسترش داد. با جوانان و توده مردم ارتباط برقرار کرد، کتابخانه بسیار خوبی تشکیل داد که در آشنایی نسل جوان با دنیای کتاب بسیار موثر بود. به گفته خودش همیشه سعی کرد با قشر جوان و توده مردم ارتباط برقرار کند.

آیت‌الله حاج شیخ جعفر صبوری شخصیتی دینی از طبقه عالمانی بود که با نگاهی ژرف و عمیق به آموزه‌های مذهبی، تلاش می‌کرد با حساسیت و درایت، دریافتهای فقهی و علمی‌اش را منطبق با شرع به مریدان و مقلدانش بیاموزاند. زندگی اجتماعی و حیات علمی او نیازمند تعمق ویژه است. از سویی از درس و مدرسه و طلبه و مدرسین غافل نبود و از طرف دیگر ارتباط با مردم و خدمت به آنان را واجب می‌دانست. فعالیت‌های علمی و خدمات اجتماعی در ابعاد

وسیع مبین این ادعاست. آگاهی به زمان، توجه خاص به نسل جوان، علاقه مندی به مباحث ظریف فرهنگی، هر یک سر فصل مفصلی از شخصیت والای این عالم پرهیزگار بوده است. ایشان هرگز در اندیشه کسب مقام دنیوی، احترام مردمی، دفتر و بارگاه و آستان نبود و این را برای خود نه مایه تواضع ریاکارانه بلکه وظیفه حتمی و به عنوان حداقل سپاس به درگاه خداوند می دانست.

از وی تألیفات زیر به یادگار مانده است.

۱. منظومه سلک الدرر فی نظم الاثر

۲. الدرر البهیة فی ترجمه الوصیه لعلی (ع)

۳. خبرهای غیبی قرآن مجید

۴. قبسی از ولایت

۵. ترجمه دعای صباح

۶. پیرامون رساله روحانیت در شیعه

۷. اخلاق جعفری

۸. پاسخ به اشکالات بر دعای ندبه

۹. رساله فقهیه پیرامون ربا و قرض

۱۰. طرائف الجعفریه

۱۱. دروس فی امثال القرآن

از ایشان دست نوشته هایی نیز در موضوعات گوناگون وجود دارد که امید است چاپ و در دسترس عموم قرار گیرد.

سرانجام، آیت الله شیخ جعفر صبوری در روز دوشنبه ۱۳ بهمن ۱۳۸۲ در سن ۹۲ سالگی، از دار دنیا رحلت نمود و در ۱۴ بهمن ماه پس از آخرین وداع مردم قدرشناس کاشان و شاگردان و دوستدارانش، در قبرستان کاشان به خاک سپرده شد. یادش گرامی باد.